

# جمعه «سیاه» یا طبیعه «سرخ» پیروزی

در صفحه سوم

(الف) انقلاب اسلامی ملت ایران  
هدف هم شهريور جلوه گاه قيام خود، جوش مردم

# آرمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

مال یکم شماره ۲۳ چهارشنبه نوزدهم شهر يورماه ۱۳۵۹ به ۱۵ ریال



گرامی باد یاد مجاهد نستوه  
**آیت الله حاج  
سید محمود  
طالقانی**

یکسال از مرگ ناینگام و جانسوز مجاهد نستوه و  
مظہر «ایستادگی و کوشش» و راهنمای مبارزان راه  
استقلال و آزادی گذشت.  
بقیه در صفحه ششم

برنامه دولت خام است، کلی است، غیر عملی است.

و صلاحیت هیفت وزیران است.  
برای نمونه در مقدمه یک  
می گوید «در حقیقت مکتب ما  
مفهوم و هدف از زیستن و امتناع  
از گرایش به چیز و راست را که  
دعوی مناسب و مطابق با جوانب  
فطرت الهی در آدمی است  
با عنوان اقتصاد و ضرورت رعایت  
آن بقیه در صفحه چهارم

روزنامه اطلاعات در شماره  
۱۶۲۲۹ به تاریخ سهشنبه یازدهم  
شهریور ماه ۱۳۵۹ در صفحه  
آخر زیر عنوان «برنامهای دولت  
اعلام شد». مطالبی درهم آورده  
که شایسته رسیدگی و گفتگوی  
بسیار است.

در این نوشتار، بایک بررسی  
همه جانبه، از این «برنامه» در  
رامیابی، بزای غلبه بر دشواریها  
و فراهم آوردن شرایط  
پیشرفت‌های مورد نیاز کشور،  
کوشش می‌شود.

غرض از بررسی «برنامهای  
اعلام شده» هرگز خردگیری و  
یا جبهه بندی نیست و تنها انگزه  
در آن پخته‌تر داشتن و قابل اجرا  
ساختن برنامهای دولت می‌باشد  
و امید می‌رود که این بررسی  
صمیمانه دولتیان را در ارجام  
وظیفه بزرگ تاریخی خود باری  
دهد.

پیش از آن که در متن  
برنامها وارد شویم و هر کدام را  
جداگانه مورد رسیدگی قرار  
دهیم یاد آوری چند نکته اساسی  
درباره برنامه ارائه شده ضرور  
است.

یادآوری نخست. هیئت  
وزیران مرکز ثقل ایده‌توالوژیک  
کشور و کانون رهبری فکری  
مردم ایران نمی‌باشد. هیئت  
وزیران یک مرکز اجراء و عمل  
است و می‌باید، تصمیمهای هیئت  
نتیجه را به کار بندد و در هر کجا،  
اخذ تصمیم تازه‌ای را در  
زیرسازی اقتصادی - اجتماعی  
کشور لازم به بینند، باید مراتب را  
با استفاده از مکانیزم‌های قانونی  
به آگاهی قوه قانونگذاری برساند  
و اخذ تصمیم شایسته را از آن

ارگان درخواست کند. هیئت  
وزیران مرکز آفریدن اندیشه و یا  
تلقین مکتب فکری حاکم  
بر جامعه یا حتی مرکز برداشت و  
تفسیر احکام هم نیست و از این  
بالاتر، هیئت وزیران، مرکز

استنباط احکام از ادله تفصیلی  
آنها هم نمی‌باشد. هیئت وزیران،  
مرکز اجتهاد و راهنمایی  
ایده‌توالوژیک نیست و تنها مکلف

است همه آنچه را رهبران فکری  
جامعه تعیین و اعلام می‌کنند، به  
موقع اجراء بگذارد.

وجود داشتن ارگانهای،  
همچون مجلس شورای اسلامی و  
نگهبان و رهبر (ولی ابره)، هیئت

وزیران را از مرکز اقتدار فکری و  
ایده‌توالوژیک جامعه بودن خارج  
می‌سازد.

تفسیر معنای اقتصاد که در

مقدمه یک برنامه دولت آمده و

همچنین تعیین معنای مالکیت و

حدود و نسبت آن خارج از اختیار

\* برنامه عرضه شده سراغی از  
دشواریهای کشور ندارد  
\* ردیف کردن عبارتها پراکنده را  
نمیتوان برنامه کارنامید

**روحیه انحصار گری با میثاق  
هدف هم شهریور فاساز گار است  
ضرورت حضور همیشگی مردم در  
صحنه سیاسی کشور**

رواست جمهور در دو میان روز بزرگ سرنوشت، روز  
هدف هم شهریور از اساسی ترین نکته‌ها سخن بمیان  
آورد.

دشمنان انقلاب اندک نیستند و سیاست‌ها و  
گروههای گوناگونی منافع خود را در تقدیم با استقرار  
جمهوری اسلامی ایران می‌بینند. این سیاست‌ها و  
گروهها، بی‌گفتگو بربازیابی منافع نامشروع خودپایی  
می‌شارند و از هررو به طرح دیسیسه علیه ایران  
برخاسته‌اند.

همینک میهن ما دریک شبکه درهم تئیده از  
توطنهای گوناگون دشمنان روپرداز است که از داخل و  
خارج زیر یوشش‌های رنگارنگ، نیرو پیچ و تجهیز  
می‌کنند و می‌خواهند انقلاب را زیر ضربه بگیرند  
دست آورد آن را از میان بودارند.

برای رویارویی با این دیسیمه‌ها و توطنهای غلبه  
بر آنها، باید از اصلی ترین نیروی پدید آورنده انقلاب  
یاری گرفت.

اصلی ترین نیرو و اطمینان بخش ترین تکیه‌گاه  
انقلاب، تودهای میلیونی مردم ایران است.  
رنجدیده مردم ایران که از ستمهای نظام سلطنتی  
وابسته به بیگانه داغها بر هستی خود دارند به هیچ  
روی نظام دیگری جز جمهوری اسلامی را نمی‌بینند و  
در دفاع از آن بی‌تلزل اند.

مردم ایران هشیاری و قدرت درگ و تشخیص و  
استواری و دلیری خود را در دفاع از دست آوردهای  
انقلاب نشان داده‌اند. مردم ایران دلستگی  
ناگستنی خود را با انقلاب آگاهی و تووانی و  
شایستگی خود را در ادامه و به ثمر رسانیدن آن به  
اثبات رسانیده‌اند. مردم ایران قدرت آن را دارند که  
همه هدفهای انقلاب خود را تحقق بخشنند و همه  
دیسیمه‌ها و توطنهای گوناگون علیه آن را درهم  
بگویند.

برای استوار تر داشتن پایه‌های انقلاب و برای  
زدودن هر خطر از جمهوری اسلامی ایران باید شرایط  
حضور همیشگی مردم را در حیات سیاسی کشور  
فرام می‌داند.

باید هر آنچه را در کشور می‌گذرد، با مردم درمیان  
گذاشت، هیچ گفتگو و هیچ روحیه برازیل از مردم  
پنهان نگاه داشته شود. باید هر خطر برای  
دست آوردهای انقلاب، بی‌درنگ به آگاهی مردم برسد  
و بر طرف کردن آن از ایشان خواسته شود سوای  
نیروی نیستی ناپذیر ایرانیان به هیچ نیروی دیگری  
نباشد و نمیتوان تکیه کرد.

هر طرح و هر اندیشه‌ای برای دورنگاه داشتن مردم  
از میدان در گیریهای سیاسی، ناروا و شوم آست و  
هر پندار جز این زیر هر پوشش که عنوان گردد باید  
بی‌درنگ به دور افکنده شود.

خطر اساسی که اینک رشد و اوج گیری و ثمردهی  
پیوسته انقلاب را تهدید می‌کند، روحیه انحصار گری  
است که می‌خواهد کشور را زیر سیطره بگیرد و این  
روحیه به طبع طبیعی از بودن همیشگی و کوشای  
مردم در فضای سیاسی ایران، ناخرسند است. انحصار  
بی‌درنگ به صفحه دوم

## گرانی، وحشتناک و توان فرسانده است

تعطیل هنرستانهای شبانه ندانم  
کاری دیگری است

## داعیه‌داران رهبری مفهوم انقلاب را در نیافته‌اند

می‌باشد و نیز برای هر نهاد  
اجتماعی وظیفه‌ای قابل لمس  
وجود دارد و با هر وظیفه نوعی  
تخصص همراه است.  
از جمله این وظیفه‌ها، انتقال  
یا القای دانشها و مهارت است که  
در مفهوم «آموزش» تجسم دارد.  
مسیر تکاملی اجتماعی‌های  
بشری، عمل آموزش را بتدریج و  
بغونه بسیار حساس به تخصصی  
بدل کرده است که از آن بنام  
«سیستم آموزشی» یاد می‌شود.  
وجود مدرسه کوشش از  
ضروری ترین نهادهای یک جامعه  
است و تصور تعطیل آن در هر  
سطح، بی‌گمان نمی‌تواند زاید  
بگویی از تهاده‌های اساسی آن  
بگویی از تهاده‌های اساسی آن

«وزارت آموزش و پرورش طی  
بخشنامهای به ادارات کل  
استان‌ها دستور انحلال نوبت دوم  
و دوره‌های مربوط به آموزش  
پیزدراگسالان را در کلیه  
هنرستانهای فنی کشور صادر  
کرد و اعلام نمود که در سال  
آینده تحصیلی کلیه هنرستانهای  
فنی بصورت روزانه دوسره (صبح  
در آمد و چنان عرصه را بمردم  
تنگ ساخته و خشم همکاری را  
برانگیخته که بی‌آمدی خطرناک  
خواهد داشت.

گرانی که بازندگی روزمره فرد  
فرد مردم می‌باشد ما رابطه مستقیم  
دارد اکنون بصورت یک «بفرنج»  
در آمد و چنان عرصه را بمردم  
تنگ ساخته و خشم همکاری را  
برانگیخته که بی‌آمدی خطرناک  
خواهد داشت.

گرانی تنها یک بفرنج  
اقتصادی نبود بلکه در عین حال  
می‌تواند بحران‌های اجتماعی و  
سیاسی خطرناکی را بوجود  
آورد.

خلاصه از گزارش خبرنگار هرالد تریبون

## در فردای پیروزی کارگران لهستان

## بورژواهای سرخ

پرداخت وسیس بازهم صبر کرد،  
پنجدیقه، ده دقیقه گذشت  
سرانجام کارگر درشت اندامی که  
جامه کهنه و نامرتبی برتن داشته  
جمعیت راشکافت و نزدیک  
در آپارتمان آمد و آنرا باز کرد  
و حاضران وارد شدند.  
اینجا دفتر کار آقای لیخ واله  
سا بود که بعد از این به عنوان  
اتحادیه مستقل کارگری لهستان  
نامیده می‌شود.  
در داخل آپارتمان، تقریباً هیچ  
چیز نبود، یکی دو صندلی و میز  
ویک تلفن، آقای واله سا به گوشه  
و گنار آپارتمان نگاه کرد  
و گفت «همه اطلاعات خالی است،  
ولی پرازامید است» این سخن  
بگویی از تهاده‌های اساسی آن

پس از آنکه کارگران اعتصابی  
لهستان بادولت به تافق رسیدند  
طرف آن هم کلینیک یک پزشک  
متخصص گوش حلق و بینی است.  
در آپارتمان بسته بود و کلید  
آن راه برده بودند، آقای لیخ  
واله سا و همراهان مدتی پشت  
درمان نگذارند.  
و با دردست گرفتار شدند،  
ولی در بازنشست، سپس آقای واله  
سکلیدی از جیب پیرون کشید  
و در سوراخ قفل چرخاند ولی  
در بازنشست، سپس کلیدهای  
دیگری را هم در درون دارند  
چرخانیدند که بازهم در بازنشست.  
آنگاه آقای واله سا به گوشه  
درباره آنچه شور ویها علیه او  
و همکرانش نوشتند، به گفتگو

پس از آنکه کارگران اعتصابی  
لهستان بادولت به تافق رسیدند  
در عده‌هایی که امضاء کردند،  
قرار شد آپارتمانی هم در اختیار  
اتحادیه مستقل کارگری لهستان  
قرار گیرد، که دفتر کارشان  
باشد.  
در فردای پیروزی، لیخ واله  
سارهبر کارگران اعتصابی برای  
به راه آنداختن اتحادیه مستقل  
کارگری راهی آپارتمان واگذاری  
شد و ساعت ده صبح روز دوشنبه  
اول سپتامبر به محل آپارتمان  
رسید.

قابل توجه سازندگان قطعات یدکی  
رجوع به صفحه هشتم

ملت ایران گستاخی‌های دولت بعضی عراق را خواهد بخشید.

# آذمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

دوره پنجم سال یکم شماره ۲۳

باید توجه داشت که زیر عنوان انقلاب زندگی و خواستهای مردم را همچون «شئی» مورد تجزیه و تحلیل قرار دادن و براساس آن دستور عمل صادر کردن، سابل عقیدتی کسانی است که حکم برجهل دیگران می‌کنند و خود را «قیم» اجتنام می‌دانند.

حال آنکه پیشرفت انقلاب در ایجاد فضای اباده از شناخت و آگاهی است و جوانهای انقلاب در دورن ریشهای پوسیده و تباء یک سیستم خفه ای شکوفا نمی‌شود. باید مردم را در سرنوشت شان دخالت داد و آرمانها و خواستهایشان را فرست خودنمایی وشد بخشید.

قبضه کردن قدرت فقط یک لحظه از دوره سازندگی انقلاب را تشکیل می‌دهد و اگر همه عاملها بهم در پیویایی سرکوب دیگران پسر برند، انقلاب به شکست کشیده می‌شود.

بادریغ باید گفت آنان که برایه دارد نشسته اند و چهار نعل می‌تاژند هنوز این حققت را باور نکردند و بهمین دلیل هر روز از بالا، بی هیچ آشنائی به تبا و تاب جامعه و نیازهای بسیاری داشتند که شناخته ای آن دستوری صادر می‌کنند.

بسن «مدرسه» در هیچ شرایطی در جامعه تائیر مثبت نمی‌گذارد و بدایحال حکومتی که بیوقفه به اثر گذاری منفی و انتشار نفرت و بیزاری سرگرم باشد!

دقیق، در کلاس‌های شبانه کسانی به ادامه تحصیل مبادرت می‌ورزند که به علتهای گوناگون و پیشتر گمنوهای مالی در خانواده از بهره‌گیری از کلاس درس در کودکی و نوجوانی محروم بوده‌اند و می‌کوشند این کمبود را در زمانهای نه‌چندان مساعد و همراه با سیاری دشواریها جبران کنند.

پیشتر کسانیکه از هنرستانهای شبانه استفاده مینمایند دریکی از رشتهای فنی کار می‌کنند و برای شکل عملی دادن به آنچه در تجربه آموخته‌اند داشت همه دشواریها را از سرمه و افزایش تخصص و مهارت خود با وجود تکلف هزینه خانواده یا دست کم هزینه شخصی و برغم همه گرفتاریها و خستگی‌های روزانه دارند و وقتی که شبا خالی دارند به کلاس می‌آیند.

در کشورهایی که حکومت از انسجام کامل و آرمانخواهی برخوردار است و درجهت منافع ملی گام بر می‌دارد و خود را خدمتگزار واقعی مردم دانست. دیروز در تحت لوای «انقلاب آموزشی» دانشگاهها و مدرسه‌های عالی تعطیل شد و حتی قول رئیس جمهور دایر برادامه‌ی کار آنها از اعتباری که برخوردار نگردید و امر روز دوره‌های شبانه هنرستان‌ها تعطیل می‌شود و فردا بی‌گمان اگر نتوانند خطوط اصلی خودخواه و انعطاف‌نپذیر فعالیت‌های آموزشی را در سطح متوسطه و ابتدائی تعیین کنند و زیر سیطره گیرند، عمل انقلابی دیگرگشان تصمیم به تعطیل نیازهای در این سطح نیز خواهد بود، که زمزمه‌ی این نتیجه‌بخش نخواهد بود.

با چنین برداشتی کسانی را که به حکم آمار و بررسی‌های

اشارة ریاست جمهوری به نارسائی‌های سازمان رادیوتلویزیون پسیار به جا و روا بود، این اشاره‌ها باید تکرار شود و همه زمینهای نظام اداری و سیاسی ایران را بگیرد. باید هر ناشایستگی را آشکارا با روشنترین بیان با مردم در میان گذشت و نباید فرصت داد که میوه‌چینان انقلاب، ناگاهیها و ناتوانی‌های خود را در پشت عبارت‌های تکراری پنهان کنند.

مردم شور و شوق و پایداری خود را در پیش‌تیبانی از شیوه‌های درست در پیشیرد انقلاب نشان داده‌اند و باید از این روحیه مردم در سازندگی و پیشرفت کشور مدد گرفته شود.

در دومین سالگرد جانبازی قهرمانان بخون خفته هفدهم شهریور، میثاق خود را با ملت ایران استوار تر کنیم و در راه اجرای خواستهای تاریخی آنان با قدرت گام برداریم. بخون شهیدان بر خیابانها و میدانهای تهران و همه ایران، منشور ما در وفاداری به انقلاب است.

**۶/۱۰۳۸۶**  
آگهی انتخاب نماینده در شرکت خارجی پیوی اس لیمیتد ثبت شده بشماره ۸۸۵  
باستاند اصل و ترجمه مصدق و کالتانه موخر دوم زوئیه ۱۹۸۰ آقای ارنست کوپرینگ بنوان نماینده شرکت مزبور در ایران با اختیار مصروف در کالتانه مزبور تعین گردیده است.  
م- الف ۱۳۴۸۹  
اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری تهران

**آگهی حصر و راثت**  
آقای احمد کمیلی بشناسنامه ۴۳۰۰۸ پیش داد خواست کلاسه ۱۷۲۴/۵۹ این شنبه توضیح داده شاروان پدالله کمیلی بشناسنامه ۱۹۰۰۹ در تاریخ ۵/۹/۲۸ در گذشته ورته وی عبارتند از متفاہی پسر و بنول کمیلی بشناسنامه ۱۹۰۰۷ و فاطمه کمیلی بشناسنامه ۵۲۴ دختران و مولد رضانی بشناسنامه ۳۴۲۳ همسر. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمتریه در روزنامه محلی آگهی می‌شود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد و با وصیت‌نامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نظر اوین آگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیت‌نامه ساقط است. رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.  
م- الف ۱۳۴۹۴ ۱- سه دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-احدى

**آگهی حصر و راثت**  
خانم اما آستوریان بشناسنامه ۴۳۱۳ پیش داد خواست کلاسه ۱۷۱۵/۵۹ این شنبه توضیح داده شاروان یوگنا آستوریان بشناسنامه ۴۳۰۰ در تاریخ ۵/۹/۴ در گذشته ورته وی عبارتند از متفاہی و وزنیک آشتوما آستوریان بشناسنامه ۴۳۱۱ در گذشته نیک آستوریان بشناسنامه ۴۳۱۲ در گذشته ۴۳ دختران و رازنیک آستوریان بشناسنامه ۴۳۴ واپس آستوریان بشناسنامه ۴۳۱۳ سرمان متفوی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمتریه در روزنامه محلی آگهی می‌شود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد و با وصیت‌نامه‌ای از در گذشته نزد اشخاصی باشد ظرف سه ماه از نظر اگهی بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیت‌نامه ساقط است. رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است.  
م- الف ۱۳۴۹۶ ۳- دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-احدى

## داعیه‌داران رهبری

یک اندیشه‌ی سالم و مستول در در تاریب پیش‌نامه‌ای انقلابی، به تعطیل نهادهای آموزشی دست زدند و به جای توجه به توانایهای بسیار که در ایران انقلابی بوجود آمده و گرایش فراوانی که به پیشرفت در مردم پدیدار گردیده و اشتیاقی که به فرهنگی نمایان شده و بهره‌گیری از این ویژگی‌های استثنایی درپیش رشیروی ایشان حکومت بارها و زیر پیش‌نامه‌ای گوناگون به تعطیل مؤسسات آموزشی پرداختند، بی‌آنکه نیازهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نمایان شده و بهره‌گیری از خواست مردم آگاه باشد. راستی در اینستکه داعیه‌داران رهبری و دست‌اندر کاران حکومت مفهوم واقعی انقلاب را درنایافتند و نداشتند. که انقلاب نمی‌تواند توسط یک دولت برای مردم حمل شود و نه وسیله‌ی مردم به دولتمردان ناگاه از روند آن‌الف‌گردد، بلکه چگونه می‌توان در خط انقلاب و خدمتگزار واقعی مردم دانست. تزلزل ناپذیر مردم انقلابی با دولت برخاسته از میان انها صورت می‌پذیرد و نطفه این همراهی‌گی تنها هنگامی بسته می‌شود که کار بدستان دولت انقلابی با عشق واقعی و دلیرانه با مردم در تماس همیشگی باشند و اگر اجتنابی در روایوی پیش آید آنها انسانهای خودخواه و انعطاف‌نپذیر فعالیت‌های آموزشی را در سطح متوسطه و ابتدائی تعیین کنند و می‌گردد که هدفشان تبدیل دیگرگان به «شیئی» است. دولت انقلابی باید خود را با آرمانها و نیازهای هنرستان‌ها تعطیل می‌شود و فردا بی‌گمان اگر نتوانند خطوط اصلی خودخواه و انعطاف‌نپذیر فعالیت‌های آموزشی را در سطح متوسطه و ابتدائی تعیین کنند و می‌گردد که هدفشان تبدیل دیگرگان به «شیئی» است. دولت انقلابی باید خود را با آرمانها و نیازهای هنرستان‌ها تعطیل می‌شود و فردا بی‌گمان این خطه امام تعاریف همکانی مردم در راستای به نمر و سانیدن انقلاب است.

روحیه‌ی انحصار گری بر دست اندرا کاران حکومت آغاز از هم باشیدگی صفاتی‌ای که این خطر بزرگ روحیه‌ی انحصار گری را برای مردم ایران آشکار خود را دست آورد و میان برداشت آن استوار رزگاهی خونین جان باختند تا انقلاب پدید آمد. پیروزی در خشان انقلاب اسلامی ملت ایران بر پایه هم‌آهنگی در نبرد با دشمنان بداندیش بود و جداگردن گروههای اجتماعی بسازمانهای مردمی از یکدیگر و در گیرگردان آنان باهم، آغاز فروریختگی است. خطر روحیه‌ی انحصار گری از اینجا برمی‌خیزد که به بی‌تفاوتی مردم در میان گروهها و سازمانها و درهم شکستن همبستگی ملی می‌انجامد و زمینه‌ی پیروزی دشمن را فراهم می‌آورد. باشد خطر بزرگ روحیه‌ی انحصار گری را برای همکان آشکار داشت و باشد از ایشان خواست که این خطر را هم بکوبند و از دارد، خط امام، خط یکارچگی نیروها، خط تلاش آگاهانه، خط همکانی مردم شهروزی را در راستای به نمر و سانیدن انقلاب است. در رزمگاه خونین هفدهم شهریور، مبارزان، بی‌آنکه یکدیگر را دیده و شناخته باشند، بازو به بازوی هم، به روایویتی با دشمن ایستادند. رزم‌آوزان بی‌آنکه نام یا اندیشه یکدیگر را بدانند، به هم یاری میدادند و هر رزمندگه که بر خاک می‌افتد، رزمندگه دیگری سنگر تهی مانده او را پسر می‌کرد. این شیوه خط امام است، پخش کردن این رزمندگان در صفاتی‌ای ناهم‌آهنگ و رودرزوی هم قراردادن آنها با خط امام تفاوت دارد. خط امام نباید به گونه‌ی یک پوشش برای از هم پاشیدن صفاتی‌ای رزمندگان به کار رود و نباید فرست داد که به نام خط امام، و زیر پوشش خط امام، عليه خط امام تلاش کنند. به همیوستگی صفاتی‌ای مردم، استوار ماندن آن از مدیریت کشور وابسته است.

مدیریت کشور باید در عمل خود را غمکسار و یار مردم پنماهیاند و در فرامه اوردن شرایط و زمینه‌های پیشرفت اقتصادی-اجتماعی از خودآگاهی و شوق و قدرت نشان دهد. مردم ما رفته‌های پسیار دیده‌اند و هم‌اینک درگیر دشواریهای فراوان‌اند و زندگی روزانه آنها از همکنندگی محرومیت‌های پسیار آغشته است و باشد به روشنی ثمره تلاش مدیریت کشور را در راستای رفاه خود دریابند. نمیتوان به این محنت‌ها و معرویت‌ها باعث‌تنهای باقی ماند، رها کردن مردم در تعامل یک سرنوشت ناگوار، سرشق انقلاب ایران نبوده است. انقلاب ایران در آن راستا حرکت می‌کند که با درخشنندگی از رنج توده‌های میلیونی مردم بکاهد و مدبیریت کشور به تلاش ثمره‌بخشی در این زمینه تعهد و وظیفه سنتگین را برطرف نمی‌کند.

اگر مدیریت کشور نخواهد یا تواند با سرعت از دردها و ناکامی‌های مردم بکاهد، بی‌هیچ تردید بر شوق و پویندگی انقلابی ایرانیان اسبیب خواهد رسید.

مدیریت کشور نباید ذر پوشش انقلابی، دشواریها و گرفتاریهای پسیاری را که مردم انقلابی ایران دارند، نادیده انگارد. آن شیوه برداشت که می‌خواهد جریان زندگی روزانه مردم را از خواسته‌ای انقلاب جدا کند، در واقع به روحیه‌ی انقلابی صدمه می‌زند. راست است که انقلاب، رها کردن اخلاقی و زمینه‌های ایمانی پسیار آغشته است و با محنت‌ها و ولی اینک، در شرایط استقرار حکومت انقلابی، همه رزمندگان انقلاب به حق انتظار دارند که نیروهای انسانی و منابع طبیعی کشور در راستای گاستن از محنت‌ها و محرومیت‌ها بکار افتد.

بی‌حاصل گزاردن منابع طبیعی و نیروهای انسانی، در راستای انقلاب نمی‌باشد، شرایط فرامه اوردن حداقلی از رفاه برای همه مردم ایران فرامه است و ایجاد چنین رفاهی، با رشد انقلاب و به ثمرنشستن آن، سازگاری کامل دارد. مدیریت کشور باید چنین رفاهی را برای مردم فرامه اورد، هیچ استلالی این تعهد تاریخی و وظیفه سنتگین را برطرف نمی‌کند.

اگر مدیریت کشور چنین رفاهی را فرامه نیاورد، بدون تردید از ناگاهی و ناتوانی آن سرچشمه می‌گیرد. بستنده کردن به شعاد دادن و سخن گفتن و نیروهای انسانی و طبیعی کشور را بی‌حاصل رهاداشتن و توده‌های میلیونی را در محنت و محرومیت باقی گذاشت، کجا با دوران سازندگی انقلاب سازگار است. انقلاب در مرحله کنونی باید کار دانی و کار آبی خود را در



کوتاه مدت و بلند مدت، به برنامه‌های ضربتی نیاز وجود دارد، فراموش کردن این زمینه عمل، دراداره کردن نظم اقتصادی ایران خود نشان دهنده آن است که نویسنده‌گان برنامه در کار برنامه ریزی سلطه لازم را نداشتند.

نگاهی به متن برنامه: در رسیدگی به متن برنامه ناچار از همان ترتیبی که برنامه عرضه شده، پیروی می‌گردد.

اول سیاست داخلی: در برنامه دولت برای تنظیم سیاست داخلی هیچ مطلب مشخصی عنوان نشده و عبارتهای کلی و گذگاری به دست دشمن بسیار مورد از همین صلاحیت قوه مقننه و قوه قضائیه تعریف شده است. در این باره تأثیرگذاری کلی گوئی پرداخته‌اند که حتی فراموش کرده‌اند اصل فکری مندرج در بند چهار را نیز مطرح کنندو گسترش دهنند.

در زمینه سیاست داخلی، کشور بامسئله بسیار اساسی عدم تمرکز و گسترش اختیارات استانها روبه رost که لزوم تهیه و تصویب سلسله قانون‌ها و آئین‌های گوناگونی را باید انجام می‌کند تا از تمرکز وحشت بارگذاری در تهران کاسته گردد و بدین منظور باید، تقسیمات کشوری دوباره نوشته شود، بودجه‌های استانی به شکلی جدی مورد عمل قرار گیرد، سپس مسئله شهرسازی و رفع نیازهای شهری و بودجه لازم برای آنها باید مطمع نظر واقع گردد.

سیاست جمعیت و تعیین حد مطلوب تمرکز و پراکندگی جمعیت در شهرها و روستاهای کشور از مباحث اصلی سیاست داخلی است، تمرکز جمعیت در تهران و چند شهر بزرگ دیگر، که پیوسته هم روبه فزونی است، دشواری‌های بزرگ پرداخت آورده و بازهم خواهد آورد. در سیاست داخلی می‌باشد به این نکته توجه می‌شود، که نشده است و تنها در فصل مربوط به میان آمد و به این شرح گذگاری و ناسازگار باهم به این آمد و به این شرح «ایجاد امکانات رفاهی برای روستاهای و شهرهای کوچک جهت برگشت مردم به روستاهای» و «ایجاد شهرک به جای روستاهای پراکنده و کم جمعیت» دره ردیو این فرازها، نشانهای قطعی بی خبری و پراکنده فکری به روشی مشاهده می‌شود. غرفه از نقل این دو فراز از نشان دادن این نکته است که تنظیم کنندگان برنامه چه اندازه از مسائل سیاست داخلی، غافل مانده‌اند.

در برایر دشواری‌های عظیم شهری و شهرسازی و در برایر دشواری شکر موج زدن‌های پرتاباط جمعیت ایران، نویسنده‌گان بر برنامه نه تنها هیچ تدبیر ارائه نکرده‌اند و بلکه، اساس مشکل راه تشخصیس نداده‌اند.

مسئله تنظیم سیاست جمعیت و سیاست شهرسازی و شهرگرانی از بزرگ‌خاطره ترین داستانهای زندگی اجتماعی امروز ایران است و هر دولت باید باروشنی این دشواری‌ها را طرح و برای آن راه حل ارائه کند.

پرداختن به این دشواری‌ها باید با برنامه‌های ضربتی صورت گیرد، مگر چند هفته پیش نبود که در تهران به لحاظ کمبود آب آشامیدنی دشواری‌ها پرداخت آمد، آیا این زنگ خطر برای پرداختن به مسئله شهرگرانی کفایت نمی‌کند؟

در زمینه سیاست داخلی، عبارت گنگ دیگری بیان کردند که این شرح «تامین ثبات سیاسی در جامعه». منظور از ثبات سیاسی چیست؟

این مفهوم روزگاری دست‌اویز نظام رشت گذشته بود که برای حاکم کردن اختلاف بر فضای فکری و سیاسی کشور بکار گرفته می‌شد.

منظور آنها از «ثبات سیاسی» پایدار ساختن و استوار داشتن حاکمیت خودشان برای همیشه و درهم شکستن هر مخالفت و هر انقاد و به خون کشیدن هر گردهم آئی و هر جلوه گری اراده و خواست ملت بود.

منظور دولت کنونی چیست؟ «ثبات سیاسی» واژه یا عبارت شناخته شده و روشی نیست که شما آن را هدف گرفته و بیان کردند، «ثبات سیاسی» خاطره‌های سیاسی تلخی را در ذهن بیدار می‌کند.

کدام نخستوزیر و کدام میثت وزیران است که به خود اجازه و حق دهد پرداشت و تشخصیس خود را به گونه‌ی سرمتش تقدیم نایدیر به میلیونها مسلمان رزمende تلقین کند و دست بسردن و تغییر دادن سرمتشهای خود را پیش‌بینی ناروا بشناسند.

هیئت وزیرانی که از آغاز کار خود با پرسشها و ایرادهای بسیار روبرو شده است چگونه در صدد است که هر برداست و هر پندار خود را در پوشش ناخوشایند «ثبات سیاسی» جاودانی و مخلد کند. مردم مسلمان و آگاه ایران، خواستار حیات سیاسی پر تکاپو و پر رونق هستند، ایشان

## برنامه دولت خام است، کلی است،

و «نظارت بر امور داد و ستد» یعنی چه «راهنمای مصرف کنندگان» چگونه است؟ نارسانی مطلب چنان می‌باشد که کمترین وصف آن «خامی» است.

ولی «خام» بودن برنامه محدود به این عبارتها نیست، از هر گوشه آن، اثر خامی به روشنی دیده می‌شود.

به این عبارتها دقت کنید. در فصل «رؤوس برنامه» می‌خوانیم «توسعه و گسترش منابع تولید ماشین‌الات صنعتی و کشاورزی و ابزار تولید و صنایع پایه‌ای» از این عبارتها هیچ معنی مشخصی به ذهن نمی‌نشیند، «گمک و تشویق صنعتگران در جهت توسعه فعالیت خود در تقلیل وابستگی و تشویق صنایع دستی» از این عبارت نیز برمی‌آید که

انجام هیچ کار روش پیش‌بینی نشده و از دهها مورد دیگر به این نتیجه قطعی میرسیم که به راستی برنامه عرضه شده بسیار خام است و نیاز به آن دارد که بار دیگر مورد رسیدگی و تنظیم قرار گیرد.

یادآوری پنجم: نظم‌بندی برنامه‌ها نامناسب می‌باشد و از اینجا آشکار می‌شود که در تهیه آنها، حداقل دقت لازم هم به کار نرفته، بلکه همچنان که در پیش گفته شد، مطالب پراکنده‌ای در دشواری‌ها کنار گردآوری و در پی یکدیگر نوشته شده و برنامه دولت نام گرفته است.

برای نمونه، برنامه وزارت بازگانی از زیر عنوان برنامه اقتصادی دولت خارج مانده و حال آنکه بی هیچ تردید یکی از اصلی‌ترین ابزارهای برنامه‌ریزی اقتصادی و احیای اقتصادی، برنامه‌های بازگانی است. از همین گونه است برنامه‌های وزارت نیرو و وزارت امور اقتصادی و احیای اقتصادی است و می‌باشد و از اینجا آشکار می‌شود که در تهیه آنها، وزارت گردآوری و در پی یکدیگر نوشته شده و برنامه‌ها اقتصادی گنجانیده می‌شوند.

از سوی دیگر چهارده بند در آغاز برنامه‌ها عنوان شده بر حسب ظاهر این بندها، هسته اصلی و مبانی فکری برنامه‌ها را در خود نهان دارند، و گرنه اوردن آنها در آغاز برنامه موردعی پیدا نمی‌کرد. مقایسه بندۀ‌های چهارده گانه و متن برنامه‌ها بازهم نشان دهنده آشفتگی در تنظیم آن می‌باشد، زیرا همه موارد برنامه‌ریزی در بندۀ‌های چهارده گانه نیامده است که این خود بندۀ‌های مذکور را از عنوان هسته اصلی برنامه‌ها خارج می‌کند و آوردن آنها را بی حاصل می‌نمایاند.

برای نمونه، از برنامه‌های وزارت راه‌آبری و وزارت پست‌تکنیک اراف و تلفن و وزارت نیرو و وزارت مسکن و شهرسازی در بندۀ‌های چهارده گانه خبری نیست و در این بندۀ‌ها هم مطالعی عنوان شده که در فهرست مفصل برنامه‌ها، نشانی از آن دیده نمی‌شود. برای نمونه «تحقیق انقلاب فرهنگی» موضوع بند پنجم یا «نیروهای نظامی و انتظامی و حمایت از ارتش بیست میلیونی» موضوع بند نه.

پراکنده‌گی فکری در همه زمینه‌های برنامه به چشم می‌خورد؛ یکی از اصلی‌ترین ابزارهای دشواری‌ها که در آن آمده است «مبازه جدی با تورم با اجرای طریق تصحیح سیستم تولید و توزیع و نظافت برآمور

دولت عنوان گردیده است.

این استنباط را یک نگاه گذرا به بندچهار «رؤوس برنامه کوتاه مدت اقتصادی» تأیید می‌کند. که در آن آمده است «مبازه جدی با تورم با اجرای طریق تصحیح سیستم تولید و توزیع و نظافت برآمور

در این بند چنانکه به روشنی دیده می‌شود، توأم «دودیگر» مبازه با گرانی «در وله نه نخست این دولت وست و راهنمایی مصرف کنندگان».

مطلوب متفاوت گنجانیده شده، یکی مبازه جدی با تورم «دودیگر» مبازه با گرانی «در وله نه نخست این دولت وست و راهنمایی مصرف کنندگان».

در هر صورت به خوبی روشن می‌گیرد که نویسنده‌گان برایر داشتند و سومنی پرسش، پیرامون چگونگی «سیاستهای اقتصادی لازم» برای «مبازه جدی با تورم» می‌باشد.

تورم مسئله محظوظ دور دستی نیست که نویسنده‌گان برنامه از آن بینی صورت یاد کردند. «تورم» دردی است که پیکر همه خانوارهای ایرانی را می‌کند «تورم» سخنی است که نقل هر مجلس است و موضوع گفتگوهای فراوان و برای غله برایان چهاردهسته، برای هر کدام شیوه برخوردی معین می‌دارد.

بررسی وضع احزاب و سازمانها و تعیین شیوه

گوشزد می‌نماید. این معنای مکتبی از اقتصاد، فراتر و عمیق‌تر از تمدید آن به رفع تنگناها و کمبودهای مادی و تمهد اولیات حیات دینی‌سی

می‌باشد. گرچه رفع نیازهای مزبور خود جزوی از سازمان و تحقق اقتصاد مکتبی ما است. لذا با آنکه از دیدگاه اسلامی اقتصاد، امری روبنایی است مع الوصف واحد اهمیت و اعتبار بسزا است».

آشکارا برداشت‌هایی چنین از مسائل درجه اول حیات بشری از عهد و صلاحیت هیئت وزیران خارج است و در این زمینه‌ها می‌باشد از نظر مجتهدان جامع الشایطی زمان و تصمیمهای هیئت

نظره‌هایی نگهبان پیروی کند. اگر این مقدمه، یک پرداشت و استباط شخصی

هیئت وزیران نیست و منقول از شخصیت‌های مجتهد جامع الشایطی زمان و تصمیمهای هیئت

از مقدمه یک که بگذریم در مقدمه دو، به اجتهادی بسیار جسورانه پرداخته و گفتماند «دولت مکتبی جمهوری اسلامی مالکیت نسبی را به معنای دیده نمی‌شود. یادآوری چهارم برنامه عرضه شده خام است، برای اینجا از مخالفت ندارد و تبا نه موضع از آن مقاله محدود از برنامه هیئت وزیران در نظر آید. این مقاله پخته و سنجیده، به طور طبیعی حاوی امکان‌ها و مشخص داشتن اصلی‌ترین دشواری‌ها و تعیین شیوه رفع آنها می‌باشد.

به جای یود که گزارشی از وضع کنونی اقتصاد کشور تهیه شود و در خلال آن دست کم قدرت مالی دولت بر اجرای طریقهای گوناگون در نظر آید و براساس این قدرت مالی نسبت به وضع دشواری‌ها تضمیم گرفته شود.

باز هم تکرار می‌کنیم که گفتگوی ما در اساس و در زیرسازی فکری برنامه دولت، به هیچ روح معنای موافق است یا مخالفت ندارد و تنها متوجه به این شیوه می‌باشد.

زیرا اگر قرار باشد ارگانها، خارج از حدود قانونی خود و حتی خارج از صلاحیت ذاتی خود، به صدور حکم و تعیین تکلیف پردازند، نظام فکری و سیاسی جامعه مختل خواهد شد.

پس بسیار روا است که هیئت وزیران در نخستین گامهای خود به این نکته متوجه گردید که هر کز راهنمایی فکری و ایده‌تولویزک نمی‌باشد.

براساس آنچه گذشت، از شورای نگهبان و از اعضای داشتند قوه قانونگذاری خواستاریم که نسبت به دو مقدمه برنامه دولت توجه کامل بگیرد و اگر برداشت مارا از مسئله عنوان شده درست

تشخیص می‌دهند، نسبت به حذف هردو مقدمه از برنامه دولت تصمیم شایسته اتخاذ نمایند و هیئت وزیران را به حدود قانونی و صلاحیتهای ذاتی خود محدود کردند و چهاردهسته، برای هر کدام شیوه برخوردی و اگذارند.

یادآوری دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی آستانه تفکیک قوا تنظیم گردیده و در این قانون سه قوه منفک از یکدیگر تشخیص شده که عبارتند از قوه تقاضا و قضا و اجراء، نقوص از «تورم» که در آن آمده است.

در هر صورت به خوبی روشن می‌گیری آن را ندارد. و حال آنکه نویسنده‌گان برایر داشتند آشکارا از درباره و تاصمیم گیری از این داشتند. در این بند چهاردهسته، سازمانها برایر داشتند آشکارا از حدود قوه اجرایی فرازجایی فراتر رفته و ضمن تقسیم آنها به چهاردهسته، برای هر کدام شیوه برخوردی معین می‌دارد.

بررسی وضع احزاب و سازمانها و تعیین شیوه برخورد با آنها از ظایف قوه قضائیه است و تشخیص اینکه کدام حزب یا سازمان سیاسی از را می‌کند «تورم» دردی است که پیکر همه خانوارهای ایرانی را می‌کند «تورم» سخنی است که نقل هر مجلس است و موضوع گفتگوهای فراوان و برای غله برایان

دشواری فقط اشاره به اینکه «سیاستهای اقتصادی لازم» ارجاع خواهد داشت، کافی بنتظر نمی‌رسد.

همه مردم ایران مشتاقانه در انتظار آنند که بدانند کدام راه برای سرکوب کردن تورم بگزیده خواهد شد و اگر دولت تصویری از تورم بگزیده اقتصادی لازم برای مهارهای خانوارهای ایرانی است. مردم حق دارند از خواسته این بازگو شکرده است. مردم حق دارند از خواسته این ابتدائی ترین ابزار کار برای مهارهای خانوارهای ایرانی می‌باشد که در این قدرتی از یکدیگر بازگشایی نمایند و اینکه بتوانند از خواسته اینکه «سیاستهای اقتصادی لازم» ارجاع خواهد داشت، کافی است.

در جهت «مبازه جدی با گرانی» چنین عنوان شده است که «تصحیح سیستم تولید و توزیع و نظافت بر امور داد و ستد و راهنمایی مصرف کنندگان» است.

هر کشور به کلی قادر از این گفتگه می‌شود جنبه آرزو به خود داشتند و تهیه فهرستی از آرزوهای ملی چندان دشوار نیست.

ولی چنین نوشتهای فقط ارزش ادبی می‌توانند داشته باشد و از لحاظ شناخت و یا تنظیم سیاست از این گفتگه می‌باشد که در اینجا از اینکه این برگزیده اقتصادی ایرانی تهیه شده باشد و وقتی در برگزیده اقتصادی ایرانی تهیه شده باشد و می‌شود «احیای زمینه‌های پر ریز از طریق احياء و تقویت



## آدمان ملت

ارگان حزب ملت ایران

که مبادا نگه دخترک نوپایش  
روشته محکم مهرش به سپر  
عزم جزمش شکد

چند روزیست در آن خانه‌ی از شادی پر  
کود کان تنهایند  
گریه تلخ شبانگاهی را  
هر شب از چشم عزیزانش دور  
مرد، در بستر تنهایی خویش  
تا سحر همراه است  
ابر عالم گویی، در دلش می‌بارد  
و تماسی هر گوشی این خانه‌ی ویرانه شده  
کوهی از اندوه است.  
و زن همسایه....  
گریه تلخ امانش ندهد  
که فراموش کند  
روز بدرودش را  
زن همسایه‌ی خوب  
می‌نشیند غمگین  
بغض گرمش به گلو  
جویبار اشکش  
روی گونه جاری  
با صدایی لرزان  
می‌دهد دلداری  
من از این پس.....  
ولی گریه امانش ندهد  
هردو در آن خلوت  
با صدایی که شبهه دشام  
لحظه‌ها پاریدند  
زن همسایه‌ی خوب  
گفت، در جاری اشک  
نگران هیچ میاش  
من چنان خواهر  
بچه‌ها را سروسامان بخشم  
سرت افراشته تا بام فلک  
و غم سنگینت  
چلچراغ شب تاریکت باد  
و درشت جاود  
جادر خونینش

شهریور ۱۳۵۷  
پروانه

## جمعه سیاه

راه را بگشاید.  
به قدمهای غمین این مرد  
رمق تازه دهد.  
این سرایا خسته  
زانوان تا شده از غم  
سرور رو آشته  
این همان ترکل و ورگ مرداست  
که نوای شادی  
خانه‌اش را پر بود  
کود کان خوبش  
که زبانزد بودند  
دست مهر از سرشان کوتاه است  
دیده‌ی بی‌گنه زیباشان  
روزها می‌گذرد  
که غمین بر راه است.  
.....  
مادر، آنزو، در آن جمعه‌ی خونین و سیاه  
بچه‌ها را به زن همسایه  
 ساعتی چند سپرد  
و دگر بازگشت  
یاد بدرودش تلخ  
بوساش دله‌هار، نگهش آشته  
زن همسایه به خود نفرین کرد  
که اگر راه براو می‌بستم!  
قسمش می‌دادم!  
شاید از نیمه‌ی ره برمی‌گشت  
لیک، یاد نگهش خشم آسود  
و صدایش لرزان  
یار بدرودش تلخ  
که صلامداد همسایه‌ی دور و نزدیک  
روز ننگ است و نام  
روز جانان به میدان رفت.  
روز پا بربر تردید نهادن، تصمیم  
روز یاران قدیم  
بوی خون، بوی شهادت می‌داو  
کلماتش که زجان برمی‌خاست  
با خدا حافظ تلخی برل  
بی‌نگاهی برپشت

اینک در دومین سالگرد  
مرگ اندوه‌آفرین را دمردی که  
در بهنه‌ی پیکار توانا و استوار  
در کانون یاران شکیبا و  
مهران بود بر روان تابناش  
درود می‌فرستیم.  
یاد آن زنده نام، آن پدر،  
آن دوست نواز دشمن شکن،  
برای همیشه گرامی باد.

نوشته شده است «آیت‌الله  
طالقانی برای واپستان حزب  
بسین بیش از یک بیان قرون  
چون پدری مهران و  
راهنمنای عالیقدر بود و  
خانه‌اش برای همه‌ی آنان،  
کانون عطوفت و پایان دهنده  
نقارها و مرکز پیوند یابی و  
الفت و مودت بشمار می‌رفت».

هفده شهریورماه، روزی  
است که «ملت» خود تصمیم  
گرفت خودبکار افتاد و از  
«خون» الهام گرفت و در  
«خاک» وطن چهره جاودانه  
«شهادت» را ترسیم کرد.

هفده شهریورماه روز  
تصمیم بزرگ و عزم بزرگ و  
حرکت بزرگ از سوی ملتی  
بزرگ بود.

هفده شهریورماه قیام پیوند  
یافته با همه قیامهای این مژوبوم  
است.

هفده شهریورماه با  
درخشان‌ترین قیامهای تاریخ  
پیوند دارد و آن سان که رهبر  
انقلاب بیان کرد:

«هفده شهریورمکر  
عاشر و میدان شهدا مکر  
کربلا و شهدای ما مکر  
شهدای کربلا و مخالفان ملت  
ما مکر ریزید و واپستان او  
هستند».

## گرامی باد

مرگ آیت‌الله طالقانی، یکی  
از آسیب‌های ناگهانی بود که  
بر پیکر جامعه‌ی اقلایی ایران  
وارد آمد و امروز، پس از  
سپری شدن یکسال گم‌هوری  
کسی است که جبران ناپذیری  
آنرا احساس نکرده باشد.  
به واسطه آیت‌الله  
حجاج‌سید‌محمد طالقانی،  
پیکارهای رهایی‌بخش ملت  
ایران بود.

او به گونه‌ی مرجعی  
امیدآفرین، روزهای سیاه  
شکست و ادبیار را از آینده‌ای  
روشن، رنگ می‌بخشید و در  
تمامی سالیان عمر بارورش  
لهمای از قبرد علیه دستگاه  
استبداد زیر سلطه استعمار  
پارناستاد.

حزب ملت ایران در بخشی  
از اعلامیه‌ای که سال پیش در  
وسای این پیکارگر  
حسنگی‌ناپذیر زیر عنوان  
«مرگ چنین خواجه نه کاری  
است خورد» انتشار داد،  
بیرون نقش پراهمیت وی در  
انقلاب چنین نوشت «وروود  
دوباره آیت‌الله طالقانی بطور  
مستقیم در پنهان گسترد و  
انقلابی مبارزات، نه تنها به  
مردمی کردن بیشتر تلاش‌های  
و رهایی‌بخش مدد رساند، بلکه  
بیانگر اصل تداوم و پی‌گیری  
مبارزات ملی بود، چه انقلاب  
در می‌ساخت اندیشمندی  
پر خاست از فرهنگ قوی و  
قدیم اسلامی در پیوند با  
ازادی‌خواهان مشروطیت و  
شکل یافته در نهضت ملی  
ایران، در پره جدید سیاسی  
جامعه، به راستی چون رهبر و  
راه‌نمایاندگان دست نشانده‌اش  
در «موساد» یا «شین بت»  
یانمایندگان دست نشانده‌اش  
در «موساد» یا «شین بت»  
دربرابر اراده ملت‌ها بی‌تأثیر و  
بهمین دلیل برای کم بهادار دست  
قیام مردم تهران ازروشای  
«جنگ روانی» سود جستند.

مصاحبه با «رهبران محافظه  
کار» آنهم درجه دوم و سوم که  
ازم‌وضع سازشکاری و  
لیبرالیستی مایه می‌گرفتند، زیاد  
شد. در تفسیرهای آنان که  
در ایران نیز ترجمه و انتشار  
می‌یافت کوشش بعمل می‌آمد  
تا «واقعه» هدفهم شهریور ماه را  
شده کرکان گندخواروبی  
مقداری بیش نبودند، عهده دار  
همه کارها گردیدند و دیگر  
سازمان امنیت همه کارها  
و سرکوبی‌ها را بر عهده نداشت.

پس از اخذ رای اعتماد مجلس  
فرمایشی بدنیان خیمه شب  
بازیهای پارلمانی اعتصاب  
پالایشگاه تهران شروع شد  
و اندک از دنگ می‌گردند که  
دولتی و خصوصی سازمانهای  
دولتی و خصوصی سازمانی کرد

و ازدوازدهم مهرماه به  
روزنامه‌ای کشیرالانتشار رسید  
و از بیست همین ماه اعتراض  
غذای زندانیان شروع شد که  
سرانجام در چهاردهم آبانماه  
هزارت زندانی آزاد گردیدند که  
مرحوم آیت‌الله طالقانی

و حضرت آیت‌الله منتظری  
در زمزمه آنان بودند.  
تزلزل درگر کان جهنسی  
ساواک بیش از همه وقت آشکار  
گردید. در هشتاد آبانماه پرویز  
ثابتی آن سهیل شکنجه و عذاب

## جمعه سیاه

از کارهای امنیتی برکارشد  
و بسیاری ازساواکی‌های معروف  
که هم اکنون در خارج از کشور  
علیه انقلاب و نظام مخصوص  
اسلامی ایران به خدمت  
امپریالیسم در آمداند، از آن  
تاریخ، به کارهای دیگری گماشته  
شدن و از این طریق کاینده‌اشتی  
ملی «گمان میکرد میتواند  
آرامشی در جامعه بوجود آورد.

مفسران و «ژورنالیستهای»  
محاذل ابرقدرت که تا آن زمان  
حرکت مردم ایران را نوعی  
«واکنش دریاب ایر تسویه و  
نویازی‌های شاه» تلقی میکردند  
و بهمان سان که در انقلاب  
شکوهمند‌الجزایر عامل «توخش  
مسلمانان» راحاکم می‌ساختند،  
در ایران هم عامل «تعصب  
شیعیان» رادر جنبش ملت  
فرمانروا میدانستند، اندک اندک  
بعود می‌آمدند و نگرانی‌هاشان  
فرزونی می‌یافت.

در فردای «جمعه سیاه» شاه  
مسافرتش را به کشورهای اروپایی  
شرقی لغو کرد و روسیه سوری و  
دیگر اقمارش با اینکه تائیمه  
ازدرا ماه انقلاب ایران را شورش  
زود گذر متعصبان مذهبی و  
مردمی کردن بیشتر تلاش‌های  
انقلابی مبارزات، نه تنها به  
مردمی کردن بیشتر تلاش‌های  
و رهایی‌بخش مدد رساند، بلکه  
بیانگر اصل تداوم و پی‌گیری  
مبارزات ملی بود، چه انقلاب  
در می‌ساخت اندیشمندی  
پر خاست از فرهنگ قوی و  
قدیم اسلامی در پیوند با  
ازادی‌خواهان مشروطیت و  
شکل یافته در نهضت ملی  
ایران، در پره جدید سیاسی  
جامعه، به راستی چون رهبر و  
راه‌نمایاندگان دست نشانده‌اش  
در «موساد» یا «شین بت»  
یانمایندگان دست نشانده‌اش  
در «موساد» یا «شین بت»  
دربرابر اراده ملت‌ها بی‌تأثیر و  
بهمین دلیل برای کم بهادار دست  
قیام مردم تهران ازروشای  
«جنگ روانی» سود جستند.

مصاحبه با «رهبران محافظه  
کار» آنهم درجه دوم و سوم که  
ازم‌وضع سازشکاری و  
لیبرالیستی مایه می‌گرفتند، زیاد  
شد. در تفسیرهای آنان که  
در ایران نیز ترجمه و انتشار  
می‌یافت کوشش بعمل می‌آمد  
تا «واقعه» هدفهم شهریور ماه  
شده کرکان گندخواروبی  
مقداری بیش نبودند، عهده دار  
همه کارها گردیدند و دیگر  
سازمان امنیت همه کارها  
و سرکوبی‌ها را بر عهده نداشت.

پس از اخذ رای اعتماد مجلس  
فرمایشی بدنیان خیمه شب  
بازیهای پارلمانی اعتصاب  
پالایشگاه تهران شروع شد  
و اندک از دنگ می‌گردند که  
دولتی و خصوصی سازمانهای  
دولتی و خصوصی سازمانی کرد

و ازدوازدهم مهرماه به  
روزنامه‌ای کشیرالانتشار رسید  
و از بیست همین ماه اعتراض  
غذای زندانیان شروع شد که  
سرانجام در چهاردهم آبانماه  
هزارت زندانی آزاد گردیدند که  
مرحوم آیت‌الله طالقانی

و حضرت آیت‌الله منتظری  
در زمزمه آنان بودند.  
تزلزل درگر کان جهنسی  
ساواک بیش از همه وقت آشکار  
گردید. در هشتاد آبانماه پرویز  
ثابتی آن سهیل شکنجه و عذاب

تکلیف جاسوسان بازداشت شده آمریکائی را بادار سیاست تعیین کنید.



